

آوار سرنوشت

مجموعه داستان

برگزیدگان جایزه آ. هنری ۲۰۱۱

ترجمه علی فادان

آوار سرنوشت. مجموعه داستان.
برگزیدگان جایزه ا. هنری ۲۰۱۱ / ویراستار لورا فورمن / ترجمه علی فامیان
تهران: کتاب نیستان، ۱۳۹۴.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۷-۸۳۷-۰

مجموعه داستان برگزیدگان ا. هنری ۲۰۱۱
عنوان اصلی The Pen / O. Henry Prize stories
داستان های کوتاه آمریکایی. قرن ۲۱. مجموعه ها
Furman, Laura. ویراستار

فامیان، علی، مترجم.
PS ۳۵۶۵ / ۸۳۱۹ ۱۳۹۴

۸۱۳/۵۴

۴۱۶۱۲۹۴

آوار سرنوشت
برگزیدگان جایزه ا. هنری ۲۰۱۱
مترجم: علی فامیان
طرح جلد: فرزاد ادیبی
کتاب نیستان
چاپ اول ۱۳۹۵ ۲۲۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۷-۸۳۷-۰
چاپ و صحافی: کانونچاپ
نیستان: ۵-۲۲۶۱۲۴۴۳
۱۵۰۰۰ تومان
ارتباط با شما ۳۰۰۰۸۵۵۲
www.neyestanbook.com

فهرست

۷.....	مقدمه
۱۵.....	آوار سرنوشت اثر جیمز هیپ
۴۳.....	خاطرات یک سال جالب اثر هنری میسون
۵۷.....	نایت بلومینگی شدن اثر کنت دالهن
۷۵.....	بازسازی ویلایی که زمانی تیور کالمان در آن زندگی می کرد اثر تاماس دوبوژی
۹۵.....	کوه یخ اثر لیلی تاک
۱۱۵.....	چگونه هیاله را ترک کردی؟ اثر جنین کاپو کروسست
۱۳۹.....	پُل، پُل اثر سوزان مینوت
۱۶۱.....	آلامو پلازا اثر برد واتسن
۱۸۱.....	آمریکایی رو به زوال اثر لسللی پری
۲۰۱.....	عبور از رودخانه اثر مارک اسلوکا
۲۱۳.....	چشم باد اثر برین ایونسن
۲۲۳.....	چیزی که بدون آن نمی توان زندگی کرد اثر متیو نیل نال

مقدمه

هر سال پس از فرايند طولاني انتخاب بيست داستان منتخب پن / آهنري از ميان صدها داستان کوتاه ارائه شده، دوستانم از من مي پرسند اين داستان ها از چه تراشيدني مي خبر مي دهند؟ اين پرسش ارتباطي به زيبايي شناسي يا فنون ادبي ندارد. بلکه بيشتر حول و حوش موضوع داستان ها مي گردد. در واقع جان ما به سال اين است که داستان هاي امسال دنياي ما را چگونه نشان داده اند.

آنان که چنين پرسشي را مطرح مي کنند، گويي براي باورند که نويسندگان داستان کوتاه منتخب خداوند يا غيبگي هستند يا دست کم آينه داران خوشي ها و هراس هاي عصر ما هستند!

اصل ماجرا اين است که نويسندگان موجوداتي باهوس و خداوند که زندگي ما را به خود ما نشان مي دهند. بسياري از آنان به دليل مهارت در اين بازنمايي مشهور شده اند و بسياري ديگر همچون آيتون سنکлер، جان داس پاسوس و مارگارت ات وود تصاويري از جامعه عرضه کرده اند. به راستي چه کسي بهتر از هرمان ملویل مي توانست آميزه چند نژادي و چند فرهنگي يعني همان آمريکاي او و آمريکاي ما را به تصوير بکشد؟

البته برای بسیاری از نویسندگان، طرح صریح موضوعات اجتماعی و تفسیر رویدادهای اجتماعی - حتی رویدادهای زندگی معاصر - چندان مهم نیست. نویسنده خوب محدود به زمان و مکان معینی نیست. ما همچنان آثار چارلز دیکنز را می‌خوانیم با اینکه در عصر انگلستان ویکتوریایی زندگی نمی‌کنیم. فتودور داستایوسکی ما را سر ذوق می‌آورد نه از آن رو که با روسیه تزاری آشنا هستیم، بلکه به این علت که روحمان به چالش کشیده می‌شود.

ادبیات - مجموعه آثاری که به واسطه کیفیتشان ارزشمند هستند - هم پیش از این، بعد و هم توصیف. ادبیات در طول زمان زندگی را تعریف و توصیف می‌کند.

هنگامی که بهترین داستان‌های کوتاه را دوباره می‌خوانیم، هم توان تکنیکی نویسندگان را بررسی می‌کنیم و هم بحران‌های انسانی واقعی درون داستان‌ها را تجربه می‌کنیم.

البته گزارش زندگی واقعی در دل داستان‌ها یک مانع اساسی دارد و آن این است که داستان‌ها اغلب مدت یا پیش از آنکه چاپ شوند نوشته می‌شوند. لحظه‌ای که یک داستان توسط یک ناشر خوانده می‌شود، چه بسا نویسنده یک غیگوی تمام عیار ظاهر شود. اما واقعیت امر این است که در اغلب موارد با یک زمان‌بندی آهسته مواجه هستیم. داستان‌های فاجعه‌آمیز بسیاری نوشته شده‌اند، اما اگر داستان با موضوعی مصیبت‌بار در دهم سپتامبر ۲۰۰۱ منتشر شده باشد، خواننده داستان چه قضاوتی درباره قدرت پیشگویی نویسنده خواهد کرد؟

باید اعتراف کرد که برخی داستان‌ها روح زمانه را به طور کامل بازتاب می‌دهند و داستان‌های جایزه پن / آهنری ۲۰۱۱ زمانه‌ای بی‌رحم و ستمکار را به تصویر می‌کشند، چیزی که چندان هم بی‌مسئله نیست.

اغلب این داستان‌ها بازگوکنندهٔ تقدیرند و به خواننده هشدار می‌دهند که تمدن بدون تمدن چقدر تهدیدآمیز خواهد بود. تمام داستان‌های امسال سرانجام جهان را روایت می‌کنند.

هلن سیمپسون با داستان «خاطرات یک سال جالب» خواننده را به جهان پس از فاجعه می‌برد؛ جهانی که به لطف تصاویر سینمایی چندان هم ناآشنا نیست. با این همه، لحن روزمره و طبقه متوسطِ راوی در تقابل با محرومیت‌های تلخ یک جامعه فروپاشیده است. داستان حال و هوایی سرگرم‌کننده و در عین حال ناگوار دارد و به طور هم‌زمان قدرتمند و تکان‌دهنده است.

با داستان «کوه یخ» املی تاک به قطب جنوب می‌رویم. در یک کشتی تفریحی، قصه آرام یک اردوای یخ زده، کوه‌های یخ محیط و سرمای مرگ را به حاشیه می‌راند.

ایجاز تحسین برانگیز تاک در داستان پر داری، جهان خطرناکی را به تصویر کشیده است که در یک چیز یعنی کوه یخ خلاصه شده است؛ کوه یخی که کشتی را محاصره کرده است و زندگی شانسیت‌ها را گزارش می‌کند.

در شیرین‌ترین داستان برگزیده امسال - «نایب بلومینگ شدن» به قلم کنت کالهن - نوازنده‌ای جوان با تردیدها و فخر فروشی‌های خود همراه با جاذبه‌های پیر گروه نایت بلومینگ هنرنمایی می‌کند. توصیفات می‌رود جوان در پایان شب از بین می‌رود و خانه‌ای که در آغاز داستان می‌سازد، در پایان ماجرا نابود می‌شود.

داستان «پل، پل» به قلم سوزان مینوت از عشق، امر ناممکن، قدرت و ابهام سخن می‌گوید. داستان در کنیا می‌گذرد و مواجهه تصادفی یک زن تازه وارد جوان با مردی آفریقایی را گزارش می‌کند. قصه «پل، پل» با

آشنایی عاشقانه دو غریبه آغاز می‌شود و با جدایی و انزوا پایان می‌یابد. قدرت و طنین موسیقایی داستان «چگونه هیاله را ترک کردی» به قلم جنین کاپوکروست در لحن راوی داستان نهفته است. راوی با گریز موفقیت‌آمیز شخصیت اول داستان از فلوریدا، مادرش، خانواده پرجمعیت کوبایی‌اش و زندگی تلخ و محدود او آغاز می‌شود. سپس دختر ماجرا در مسیری موفقیت‌آمیز به سوی نوعی دیگر از محدودیت که در زندگی دانشگاهی تدارک دیده شده است، پیش می‌رود؛ زندگی‌ای که بر پایه استثمار هویت قومی دختر شکل گرفته است. حال راوی داستان از صال به نیایی دورغین گذر می‌کند، از دنیایی سرشار از غیب و خوسر به دنیایی پا می‌گذارد که در آن موفقیت یعنی کنار گذاشتن هویت فردی به هوا و بهره‌مندی از پیروزی‌های کوچک مصیبت‌بار. داستان با میل و اشتیاق منهاد و شاید ناممکن پایان می‌یابد.

داستان مارک اسکا کا، عنوان «عمر از رودخانه» قصه جذاب مردی است که می‌کوشد دوباره به در سر نیفتد. این داستان استعاره‌ای برای بچه‌داری نیز هست. آیا پدر و مادر پیدا می‌شود که با احساس مسئولیت و هراس این پدر مواجه شده باشد؟ این داستان عشق پدری درمانده نسبت به فرزندش را بازگو می‌کند، داستانی که خواننده را در حالتی بهت زده و وسط جریان آب رها می‌کند.

«چشم باد» داستانی از زبان یک کودک است که با ارورر باورپذیری می‌پردازد. ایونس مرز میان مردن و زنده نبودن و نیز زخمود کردن و ندانستن واقعیت را به هم می‌ریزد. پسر بچه سخت مایل است خواهرش احساسات و برداشت‌هایش را تأیید کند و همین میل و اشتیاق او را به درد سر می‌اندازد، اما وفاداری او به خواهر شجاعش خواننده را تا انتهای داستان سرگرم می‌کند.

داستان «آلامویلازا» اثر برد واتسن کشف دیگری از دنیای کودکی است که در لابه‌لای تعطیلات یک خانواده در گالف پورت می‌سی‌سی‌پی روایت می‌شود.

داستان قبلی برد واتسن در مجموعه داستان‌های پن / آهنری ۲۰۱۰ نیز در یک هتل بین جاده‌ای روایت شده است. تلاش راوی ماجرا در توصیف صحنه‌ها و تکیه بر حافظه خیره‌کننده است. شخصیت‌های داستان هم آدم‌های زمان حال هستند و هم آدم‌هایی که سرنوشتشان در آغاز داستان رقم خورده است. در دل داستان شاهد آشتی پر تنش هستیم میان تلخی با یاد سروده شده و مجموعه‌ای از جزئیاتی که راوی داستان در قالب بازمانده‌ی بین بازگو می‌کند.

استاد داستان‌پرداز جیم سپرد، در داستان «آوار سرنوشت» سوئیس سال ۱۹۳۹ را که دوره سیاسی پر تنش محسوب می‌شود روایت می‌کند. چهار داوطلب یا همان احمق‌های یخ‌زد، داستان را در کلبه‌ای کوچک در داوس سپری می‌کنند. آنان در زمینه بهمن تحقیق می‌کنند و به همین علت سرنوشتشان با اضطراب ریزش بهمن گره خورده است. دانشمندان جسور گویی به فاجعه دل بسته‌اند، در حالی که دل راوی داستان به یک آشنای قدیمی به فاجعه‌ای دیگر منجر می‌شود. این راوی داستان میان شوخ طبعی و جدیت فضای علمی در نوسان است. داستان که به جلو می‌رود، مفهوم تقدیر و سرنوشت و البته اندوه بر سل ساحر سنگین‌تر می‌شود و در پایان خیره‌کننده و رضایت بخش داستان تثبیت می‌شود. عضو هیئت داور، کریستین شوت، «آوار سرنوشت» را به عنوان داستان منتخب خود برگزید.

داستان «بازسازی ویلایی که زمانی تیور کالمان در آن زندگی می‌کرد» به قلم تاماس دوبوژی در مجارستان تحت اشغال شوروی و در

سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم می‌گذرد.

برای لازلو، سرباز وظیفه‌ای که ابتدا در ارتش آلمان خدمت می‌کند، و بعدها به دستگاه دیوان سالاری شوروی کمک می‌کند، بازسازی ویلایی که زمانی یک قهرمان مجار در آن زندگی می‌کرده است تبدیل به یک هدف نمایی و بهانه‌ای برای یک رفتار می‌شود، رفتاری که به قول فیلسوف نامی هانا آرندت می‌توان آن را «پیش پا افتادگی شیطان» نامید.

داستان «آمریکایی رو به زوال» اثر لسللی پری که به هالیوود قدیم، جنگ جهانی اول و عشقی از دست رفته می‌پردازد، سرشار از احساس، ذکاوت، احساسات و تسلط است. فیلمی صامت در کالیفرنیا ضبط می‌شود و به این ترتیب، توهم شکل می‌گیرد. قهرمان داستان هنر پیشه‌ای لال است که نقش بر سرشمار ۹ را بازی می‌کند. بوفالوها وارد کشور شده‌اند و بومی شماره ۹ هم بومی آمریکا نیست. او کهنه سربازی است که در نتیجه مصیبت جنگ آینده‌ای نامشوم گذرش به آنجا افتاده و در آن فیلم هم هست، هم نیست. خزانده جذب داستان می‌شود و به تدریج هویت بومی شماره ۹ را کشف می‌کند و می‌یابد او که بوده و به کجا می‌رود. قصه «چیزی که بدون آن نمی‌توان زندگی کرد» به قلم متیو نیل نال در ویرجینیای غربی روایت می‌شود. داستان خیره‌کننده درباره‌ی مردی فریب‌کار که خودش به گونه‌ای هولناک فریب خورده است.

عضو هیئت داوران، مانوئل مانوز این داستان را به عنوان قصه محبوب خود معرفی کرد. آنچه این داستان را متمایز می‌کند، اصالت در روایت آن است. هیچ شخصیت کاریکاتور گونه‌ای در کار نیست و فضاها ساختگی نیستند. همه چیز این داستان واقعی است و کاملاً تکان دهنده و باشکوه، همچون خود زندگی.

ممکن است رنگ و بوی غلیظ تقدیر و سرنوشت حاکم بر

داستان‌های برگزیده پن / آهنری ۲۰۱۱ مخاطب را میخکوب کند، اما هر یک از این داستان‌ها از زمان و مکان اولیه خود در می‌گذرند و برای خواننده امروزی جذابیت دارند. این خیر بسیار خوبی است، چرا که همین داستان‌های برگزیده نشان می‌دهند با پایان عصر داستان کوتاه فاصله‌ای بسیار زیاد داریم.

لورا فرمن

آستین، تگزاس

www.ketab.ir